

www.ketab.ir

خودشناسی

امام و درتیت اسلامی

مؤلف: حسین آفری

مولف: حسین نقری

میرزا ش. ا. س. باقری، حسین، ۱۳۶۲

عنوان ناہید اور بنیدہ اسم گامول در تربیت اسلامی مولف حسین باقری.

مستند: ۱۳۹۷، گمر

مشترک: ۸۰٪

طراحی و اجرا: محمد فصیح

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شاک: ۲-۰-۹۹۶۴-۰-۷۸

وضعیت فهرست نویسی بخیر

موضوع: خودشناسی - جنبه‌های مذهبی +

Self-perception-Religious aspects-Islam: موضوع

موضوع: اخلاق اسلامی

Islamic ethics موضوع

ردمندی کنگره ۳۹۷۸ ب ۲۵۰ BP

ردمندی دوی: ۲۹۷/۶۳

شماره گاشناسی ملی: ۵۳۱۱۰۸۸



فصل اول: تربیت اسلامی

۱۸	نقشه راه تربیت اسلامی
۱۹	اصول حکم تربیت اسلامی
۲۱	شرح فصل تربیت اسلامی

فصل دوم: خودشناسی

۲۷	نقشه راه خودشناسی
۲۸	اصول حاکم بر خودشناسی
۲۹	شرح فصل خودشناسی
۲۹	احادیث خودشناسی
۳۲	مراعات نفس انسان

فصل سوم: مرتبه جسم مادی

۳۷	نقشه راه مرتبه جسم مادی
۳۹	اصول حاکم بر مرتبه جسم مادی
۴۱	شرح فصل مرتبه جسم مادی

۴۱ پنجره شناخت هستی

فصل چهارم: مرتبباتی

۴۷ نقشه راه مرتبباتی

۴۸ اصول حاکم مرتبباتی

۵۰ شرح فصل مرتببات

۵۱ مزاج

۵۳ تولید مثل

۵۳ زمان و مکان جماع

فصل پنجم: مرتببات حیوانی

۶۱ نقشه راه مرتببات حیوانی

۶۳ اصول حاکم بر مرتببات حیوانی

۷۰ شرح فصل مرتببات حیوانی

۷۱ تجسم اعمال

۷۲ گریز

۷۲ مبادی پنجگانه حرکت ارادی

۷۴ روایات تجسم اعمال

۷۹ شرح کلی ارتباط قوای ادراکی و تحریرکی

۷۹	۱- از پایین به بالا (قوای ادراکی)
۸۰	۲- از بالا به پایین (قوای ادراکی)
۸۱	۳- از بالا به پایین (قوای تحریکی)
۸۲	پاسخ سوالات باقی مانده از ابتدای فصل
۸۲	تطهیر قوای حسی
۸۲	ارتباط طهر حیوانی با عالم پرزخما
۸۳	هفت درجه جهنم و شش رتبه عشت
۸۵	سرانجام حیوانات

فصل ششم: مرتبه انسانی

۹۱	تقسیم مرتبه انسانی
۹۳	اصول حاکم بر مرتبه انسانی
۱۰۰	شرح فصل مرتبه انسانی
۱۰۱	گوهر عقل
۱۰۱	عقل نظری
۱۰۲	گوهر قلب

عقل عملی	۱۰۲
تبیین مقام عقل نظری: (عقل)	۱۰۳
محدود و مقفه (اصغر-کبیر-اکبر)	۱۰۳
پذیرش ۹. ایت از مافوق خود (وحی)	۱۰۴
قوة جزم علم	۱۰۷
زمان شکل گیری	۱۰۷
عقل، محدود و محکم	۱۰۸
تفاوت عقل نظری و عملی با حکمت نظری و عملی	۱۱۱
حیطه حکمت عملی: (علوم پایدها و بنیادها)	۱۱۲
را اصول به سعادت	۱۱۵
نمودار ارتباط عقل نظری و عقل عملی در کسب سعادت	۱۱۷
هدایت تشریفی و تکوینی در عقل و قلب	۱۱۹
کدام علم حجاب اکبر است	۱۱۹
مراتب عقل نظری	۱۲۱
۱- عقل هیولانی	۱۲۱
۲- عقل بالملکه	۱۲۱
۳- عقل بالفعل	۱۲۲

۱۲۲	عقل بالمستفاد
۱۲۴	جهت مطالعه: (قول عرفا)
۱۲۴	جهت مطالعه: (اتحاد نهایی عقل نظری و عقل عملی)
۱۲۵	تربیت عقل نظری
۱۲۷	تبیین مقام عقل عملی (قلب)
۱۲۷	محدود و مجزأ - داصغر - کبر - اکبر
۱۲۷	عقل عملی همان (قلب) است
۱۲۹	مسئول تکامل قوای مادی
۱۳۰	عقل عملی حیطه عملی کردن حکمت عملی
۱۳۱	دل محل ایمان و کفر
۱۳۴	دل محل گناه و تقوا
۱۳۵	عقل عملی در روایات
۱۳۸	مراتب عقل عملی
۱۴۰	بیان آیت الله جوادی آملی حفظه الله
۱۴۱	تأثیر عقل و وهم بر مبادی پنجگانه حرکت
۱۴۲	قلب میدان نبرد
۱۴۲	قلب جایگاه الهام و توفیق

۱۴۲	قلب جایگاه موسوس و خذلان
۱۴۴	تفاوت الها و وحی
۱۴۴	بستر سازی برای کسب توفیق یا اکساب خذلان
۱۴۵	جایگاه نسبت در انجام افعال
۱۵۰	جایگاه محبت امیر المؤمنین (علیه السلام)
۱۵۲	چهار چوب اخلاق
۱۵۸	صراط مستقیم، صراط، دایره و صراطیک چیزند
۱۵۹	نمودار عدالت
۱۶۰	اول خود بعد دیگری
۱۶۱	ارتباط طقه (اصغر-کبیر) با جهاد (اصغر-کبیر)
۱۶۲	نکته: (عرضه ای جهاد کبیر)
۱۶۳	جهاد اکبر چیست و ارتباط آن با طقه اکبر
۱۶۷	حتی گامی هم در معرفت نفس برداشته ایم
۱۷۶	فهرست منابع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

در جملات گنگوهای روزمره، مدام این واژه را محور مباحث قرار می‌دهیم:

گویا خیلی می‌شناخیش

ضمیری است قریب. به کثر بکثر. ضمیر است

ضمیر ((من))

از هر حقیقتی بهمان نزدیک‌تر است، بلکه خود ما هم

وقتی آن استاد، بمن گفت: تو کیستی؟

گفتم: حسین.

گفت: حسین، کی کاسم است یا شما یکا سمی؟

گفتم: فرزند فلانی هستم.

گفت: یکا سم، فرزند یکا سمدیگر؟

گفتم: خُب، پس مقداری درنگ کرد و داد آمد و داد که، از چمنخانوادمای هستم و چه

مهارت‌ها و سلاقتی دارم، سوابق کاری ام چیست و ...

با خودم گفتم دیگر مبسوط تر از این نمی خواهد خودم را با او بشناسانم
 اما سؤال همچنان باقی بود که برای چمی خواهد مرا بشناسد؟
 لبخندی زد و گفت: اینها که گفتم تمام حقیقت تو بود؟ یعنی شما تشکیل شده از یک
 سری صفات و مهارت ها هستی و چیز دیگری نیستی؟
 پس ای کجای گوی من اینم، من آنم، این ((من)) کدام پر زبان
 جاری می سازی و همه چیزت را با او نسبت می دهی کیست؟
 بهت زد به استاد نگریستم، با خود می اندیشیدم، مگر من چیزی غیر از این
 ویژگی هایی که گفتم، هستم،
 گفتم: من، منم، انسانم، نمی دانم؟ چه سؤالی است؟ اینکا از بدیهیات
 است،

پاسخ محدود و دودشده و سه کلمه کنخیلی نمی توانم را به آنها صحبت کنم.
 استاد که چهره فزونی و معنوی اش همیشه برایم آرام بخش بود با لبخند همیشه
 ادامه داد: پشت تقابلی صفات و ویژگی هایی که برای خودت می بینی و
 پشت این کلمفن کمربزبان تعداد جاری می کنی، هزاران و بلکه
 بی شمار مراتب و اسرار و پیچیدگی ها نهفته است، کشناخت آنها شمارا به عظمت
 بی انتهای نفس انسان آگاهی دهد.

همان حقیقتی کشناخت آن، ما را به شناخت پروردگاری رساند، که:

(مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ)

هر کس خود را شناخت، پروردگارش را شناخت.

بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۴۵۲

جوان عزیز بدان که را شناخت خود، بزرگترین، هموارترین، سریع‌ترین و مجرب‌ترین را شناخت حق متعال است.

با بیان استاد، در ذهنم سؤالات زیادی شکل گرفت.

این محبتی است که استاد اینقدر از آن حرف می‌زند؟

این کیست که این هدایای بزرگی را دارا می‌شود؟

ومی‌تواند بین موجد و مخترع تفاوت بگذارد؟

با اندکی تلاش، می‌خواند، می‌فهمد، ریاضی دانی می‌شود، به

دیگران محبت می‌کند، می‌بخشد، بیدار می‌شود...

اصلاً خواب‌بیداری چیست؟

خواب‌دیدن چیست؟

گریه‌موخند چیست؟ چگونه می‌فهمد که باید بگریه یا که بخندد؟

چه کسی به او آموخته که در گرسنگی باید بخورد یا در تشنگی باید بنوشد؟

حقیقتاً از کجا این سؤالات برای او پیش می‌آید؟

چرامی‌اندیشد؟

چرا دنبال کمال‌خواهی است و از ضعف‌گریزان است؟